

نوآوری در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی (ره)

حسین ولیوند زمانی^۱

علی ایمانی سطوت^۲

چکیده

امام خمینی (ره) اولین فقیه شیعی است که در دوران غیبت امام معصوم (ع) موفق به ایجاد حکومت اسلامی بر مبنای آموزه‌های فقه شیعه گردید. نوآوری اساسی امام خمینی در عرصه عمل سیاسی، اقدام برای بنیانگذاری نظام جمهوری اسلامی است. بنابراین امام خمینی سعی نمود با توجه به آموزه‌های مذهب تشیع و بحران سیاسی که ایران عصر پهلوی با آن مواجه بود، جنبه‌های گوناگون حکومت را با فقه شیعه سازگار نماید. پژوهش حاضر تلاشی است برای تحقیق در مورد جنبه‌های مختلف نوآوری در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره).

بدیهی است که امام خمینی در دوران جوانی و در آغاز طلبگی، برخلاف رویکرد مرسوم، نسبت به مسائل سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی حساس بودند.

در دوران پختگی علمی به تدریس علوم عقلی در حوزه پرداختند. نوآوری سیاسی ایشان نقد رژیم پهلوی اول می‌باشد. مبارزه امام از آغاز دهه ۴۰ خورشیدی علیه رژیم استبدادی مسلح آن هم از پایگاه دین و حوزه یک نوآوری مبارزاتی سیاسی در حوزه علمیه بود.

تقریر کتاب حکومت اسلامی و صورت‌بندی نظریه ولایت فقیه مهمترین جنبه نوآوری در اندیشه سیاسی امام خمینی است. شکوفایی نهال جمهوری اسلامی در نتیجه انقلاب اسلامی دستاورد بزرگ اندیشه‌های نوآورانه امام خمینی (ره) می‌باشد. نهادینه نمودن قاعده فقهی مصلحت در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز از دیگر جنبه‌های نوآورانه اندیشه سیاسی امام خمینی است. مقاله پیش رو به تبیین وجوه نوآوری در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) پرداخته و دستاورد حاصل از آن یعنی انقلاب اسلامی را تبیین می‌نماید.

واژگان کلیدی: امام خمینی (ره)، انقلاب اسلامی، نوآوری، اندیشه سیاسی، نوآوری سیاسی.

مقدمه

نوآوری‌های فقهی و سیاسی در اندیشه و رفتار سیاسی امام خمینی (ره) نقطه آغازین تحولاتی شگفت‌انگیز در ایران و تغییر نظام سیاسی از سلطنت استبدادی به نظام جمهوری اسلامی گردید. نوآوری‌های فقهی سیاسی امام (ره) صرفاً در تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران متوقف نماند. تثبیت نظام جمهوری اسلامی و تداوم

۱ - دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی

۲ - کارشناسی ارشد علوم سیاسی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی و مدرس دانشگاه

حیات آن، به روزشدن و کارآمدی فقه شیعه و نهادینه نمودن قاعده مصلحت در قانون اساسی از جمله این نوآوری‌های مهم در اندیشه سیاسی امام خمینی است. امام (ره) در مواجهه با بحران‌ها و معضلات پیش‌روی جامعه و با بهره‌گیری حداکثری از خرد و دین، اقدام به نوآوری‌های بدیع نمودند. امام (ره) از پایگاه آشتی عقل و دین به تلفیق جمهوریت و اسلامیت عزیمت نمودند. لذا تأمل و اندیشه در الگوی نوآوری در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) از جانب اندیشمندان و کارگزاران دولت اسلامی به ارائه چهره‌ای مطلوب، کارآمد و رو به تعالی از نظام جمهوری اسلامی در محیط بین‌الملل مدد می‌رساند و برای آینده نظام اسلامی راه‌گشاست. از طرف دیگر با تکیه بر نظریه سیستم‌ها، نوآوری و شکوفایی در ذات یک سیستم پویا و رو به تعالی نهادینه است و از آن‌جا که امام خمینی (ره) بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان یک سیستم پویاست، از این رو تبیین مؤلفه‌های نوآوری در اندیشه سیاسی ایشان، کارآمدی و تداوم حیات دولت اسلامی را صورت‌بندی می‌نماید.

بیان مسئله

آغاز حیات یک طبقه اجتماعی متنفذ و قدرتمند در جهان اسلام به نام روحانیت تشیع به قرن چهارم و آغاز دوران غیبت امام دوازدهم شیعیان باز می‌گردد. به علت حاکمیت سلاطین جور، فقهای شیعه عموماً ملجأ و پناهگاه ستم‌دیدگان و نقاد قدرت حاکمان وقت بودند. بعد از سپری شدن یک دوره هزار ساله برای اولین بار بود که یک فقیه متنفذ و سیاستمدار، رهبری یک انقلاب ضد سلطه را بر عهده می‌گیرد و سرانجام نظام جمهوری اسلامی را بنیان می‌نهد.

ایجاد باور به تشکیل حکومت در زمان غیبت امام معصوم خود یک نوآوری بزرگ در سنت حاکم بر حوزه بود. ضرورت و اهمیت طرح مسئله نیز به این نوآوری بزرگ و دوران‌ساز باز می‌گردد.

فقه اکنون در کانون قدرت قرار گرفته و دولت اسلامی را تشکیل داده و باید پاسخگوی مسائلی از قبیل حیطه اختیارات دولت اسلامی، مالکیت، قاعده مصلحت در دولت اسلامی، جهاد در زمان غیبت امام معصوم (ع) و ... باشد.

امام خمینی تغییری بنیادین در نگاه فقه و حوزه به سیاست ایجاد نمود. او با نگاهی نو به مسائل سیاسی اجتماعی و باور به تکلیف تشکیل حکومت برای فقها در زمان غیبت امام معصوم (ع) به تلاش برای کسب قدرت سیاسی اقدام نمود. الگویی از تفکر حکمرانی صورت تحقق به خود گرفت که حکومت مبتنی بر آراء ملت را جایگزین حکومت خودکامه فردی نموده بود. واژه کلیدی و دیرپای «اسلام» در کنار واژه مدرن «جمهوری» قرار گرفته و نوآوری بزرگ «جمهوری اسلامی» در درون مرزهای ایران اسلامی صورت تحقق به خود گرفت و این برگرفته از اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به عنوان معمار بزرگ جمهوری اسلامی بود.

گرچه مطالعات گوناگون و متعددی در باب اندیشه سیاسی امام خمینی صورت گرفته اما به نظر می‌رسد نوآوری‌های فقهی و سیاسی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و دستاورد مهم آن در قرن بیستم یعنی انقلاب اسلامی باید مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد. هدف این تحقیق تبیین مؤلفه‌های گوناگون نوآوری در اندیشه

سیاسی امام خمینی است. روش تحقیق موردی - زمینه‌ای است. روش گردآوری اطلاعات با استفاده از تکنیک مراجعه به اسناد و مدارک و مطالعه کتابخانه‌ای است.

ادبیات تحقیق

نوآوری الگویی از عادت‌شکنی تلقی می‌گردد. فرد خلاق و نوآور به سیستم موجود نقد دارد و در اندیشه بنای سیستم و روش جدید است. به عبارتی فرد نوآور اجتهاد می‌کند. در چنین مسیر سخت و دشواری موانعی وجود دارد که باید رفع گردد تا امکان تحقق نوآوری فراهم گردد.

امام خمینی(ره) دانش آموخته سیستم حوزه علمیه می‌باشد؛ لذا در سنت حاکم بر حوزه به نوآوری و خلاقیت مبادرت می‌ورزد. امام در این جا باور دارد که برای مسائل جدید باید از راه‌حل‌های جدید بهره برد و لذا برای راه‌حلیابی از اراده قوی و اعتماد به نفس بالا برخوردار است. فروپاشی نهاد دیرپای سلطنت استبدادی در ایران به علت بحران‌های درون ساختاری این نهاد و اعتماد به نفس امام خمینی در تبیین راهکار انقلابی و نوآورانه رفع بحران بود و جمهوری اسلامی ابداع و نوآوری وی در این عرصه می‌باشد. در این مقاله جنبه‌های مختلف نوآوری در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) و دستاورد بزرگ آن یعنی انقلاب اسلامی تبیین می‌گردد.

۱- نوآوری در حوزه

۱-۱ نوآوری در رویکرد علمی حاکم بر حوزه

سنت، به تعبیر آدموند برک، انباشت خرد و عقلانیت گذشتگان است. حال اگر سنت با عناصر اعتقادی درآمیخته باشد نوآوری در آن به سختی صورت می‌گیرد. سنت علمی حاکم بر حوزه علمیه در زمان فعالیت علمی امام خمینی(ره)، نسبتی با فلسفه نداشت. تدریس فلسفه به‌عنوان یونانی‌زدگی تقبیح می‌گردید. این رویکردی بود که از زمان آوارگی ملاصدرا گفتمان غالب در حوزه بود. امام(ره) زمانی به تدریس فلسفه در حوزه پرداخت که تحصیل و تدریس در این رشته، درخت ممنوعه بود.

امام روح ا. خمینی در عرصه تدریس در حوزه، استادی نوآور بود. او درس را به جای این‌که از آغاز کتاب شروع کند از طبیعیات شروع کرد و استدلال او برای این کار، روش معلم اول یا ارسطو بود که الهیات را پس از طبیعیات قرار داده بود و به همین جهت الهیات را مابعدالطبیعه نامیده بود (رجبی، ۱۳۷۸: ۹۸). امام در تدریس فلسفه و عرفان آماج سخت‌ترین اتهامات و حملات قشریون تا حد شرک واقع شد. ایشان می‌فرماید: «یادگرفتن زبان خارجی کفر و فلسفه و عرفان گناه و شرک به شمار می‌رفت. در مدرسه فیضیه فرزند خردسالم، مرحوم مصطفی از کوزه‌ای آب نوشید، کوزه را آب کشیدند، چرا که من فلسفه می‌گفتم» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۷۹).

نوآوری علمی امام خمینی در حوزه و تلاش وی برای احیاء فلسفه و عرفان بر استدلال در باب ولایت فقیه نیز تأثیر گذشت. استدلال فقهی که او در باب ولایت فقیه می‌کند استدلال فقهی اصولی است برای اقتناع کسانی که دلیل از کتاب و سنت می‌خواهند و گرنه استدلال واقعی و برهانی او مبنی بر اصول فلسفی - عرفانی

که منبع آن از خداست و امری معنوی است که حکومت ظاهری و فرمانروایی صوری تجسم و تجسد مادی آن است (رجبی، ۱۳۷۸: ۱۰۴)

نوآوری امام خمینی در سنت علمی حاکم بر حوزه، مخالفان سترگی داشت و در دوران زعامت آیت ا.. بروجردی همواره مشکلاتی برای کرسی تدریس فلسفه امام و علامه طباطبایی توسط متحجرین ایجاد می‌شد که ایشان بر همه این مشکلات غالب گردید. تغییر رویکرد حوزه به سیاست و اجتماع، دستاورد بزرگ امام در این دوران بود.

۲-۱ نوآوری در رویکرد اجتماعی و سیاسی حاکم بر حوزه

در انقلاب مشروطیت روحانیت مشارکتی تمام عیار در امور اجتماعی داشت و سلسله‌جنبان اصلی انقلاب بود؛ اما شهادت شیخ فضل الله نوری و ترور آیت الله بهبهانی توسط تندروها و تروریست‌ها آنان را دچار یأس و تردید جدی نمود. به طوری که بنابر بعضی اقوال آیت ا.. میرزای نایینی اقدام به جمع‌آوری کتاب مهم خود «تنبيه الامه و تنزیه اعلمه» نمود. آیت ا.. حائری یزدی مؤسس حوزه علمیه قم نیز که همزمان با آغاز دولت استبدادی پهلوی فعالیت خود را آغاز نموده بود با هوشمندی نهال نوپای حوزه را بدین گونه از خزان استبداد شبه‌مدرن مصون نگه داشت که طلاب از موضع‌گیری‌های صریح سیاسی و اجتماعی پرهیز نمایند. در این دوران مشارکت در سیاست و اجتماع، خواندن روزنامه‌جات و عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی یک رویکرد منسوخ در حوزه بود. این رویه در زمان زعامت آیت ا.. بروجردی نیز ادامه داشت و از طرف ایشان هیچ حمایتی حتی از جمعیت فداییان اسلام که گروهی سیاسی با رویکرد اسلامی نیز بود، نشد. در این دوران امام برخلاف رویکرد حاکم بر حوزه در مواجهه با مسائل سیاسی اجتماعی موضع صریح داشت. به عنوان مستمع و به صورت حضوری، نطق‌های شهید مدرس را در مجلس شورای ملی استماع می‌نمود؛ با نوشتن کتاب کشف‌الاسرار موضع‌گیری سیاسی - اجتماعی خود را به صورت مکتوب آشکار نمود؛ از سیاست‌های رضاخان انتقاد کرد و آرمان حکومت اسلامی را طرح نمود.

رویکرد انتقادی امام نسبت به حاکمیت و مسائل اجتماعی، یک نوآوری سیاسی اجتماعی در حوزه بود، ایشان که مدرس عالی‌رتبه قم بود، به همین ترتیب حلقه‌ای از شاگردان مبارز با دیدگاه اجتماعی و سیاسی و انتقادی تربیت نمود. ذکر برخی از رویدادهای تاریخی که مبین جهت‌گیری‌های خاص سیاسی و اجتماعی امام خمینی (ره) است در این رابطه از اهمیت برخوردار است.

محمد رضا شاه مترصد فرصتی بود که از قم عبور کند و دیداری نیز با آیت الله بروجردی داشته باشد. آقای بروجردی برای پرهیز از دیدار شاه در فکر سفر بود، اما امام توصیه نمود که آیت ا.. در قم بماند و با شاه دیدار نکند. لذا ملاحظه می‌گردد که هدف امام پیامی انقلابی‌تر داشت و رویکرد انتقادی امام نسبت به رژیم استبدادی سخت‌گیرانه‌تر است (قوچانی، ۱۳۸۷: ۱).

حکم امام در باب بازی شطرنج مهمترین نوآوری این فقیه برجسته در زمان حاکمیت دولت اسلامی است. جمهور فقهای شیعه، بازی شطرنج را صرف نظر از آنکه آلت قمار باشد یا نباشد، حرام دانسته‌اند. فتوای

نخست امام نیز همین بود. اما بعدها امام بازی شطرنج را در صورتی که آلت قمار نباشد جایز دانستند. دیگران از جمله حجت الاسلام قدیری با ایشان مواجه کردند که بنابر فتوای خود شما لعب به شطرنج بالکل حرام است. امام در پاسخ حجت الاسلام قدیری می‌نویسند:

«آن‌گونه که جنابعالی از اخبار و روایات برداشت دارید، تمدن جدید به کلی باید از بین برود و مردم کوخ‌نشین بوده و یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند...» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۵۱)

در ادامه نامه، امام به کتاب جامع‌المدارک آیت الله خوانساری در باب جایز بودن بازی شطرنج بدون رهن ارجاع می‌دهند.

این‌گونه حضرت امام در زمان تشکیل دولت اسلامی نیز جهت حل معضلات اجتماعی به نوآوری فقهی مبادرت می‌ورزند.

نوآوری سیاسی امام در حوزه نیز از اهمیت برخوردار بود. پس از رحلت آیت الله بروجردی، رابطه دربار و حوزه وارد مراحل جدیدی می‌گردد. دربار در پرتو فقدان مرجعیت شیعه در قم در اندیشه عملی نمودن طرح‌هایی است مانند اصلاحات ارضی که آیت الله بروجردی مخالف آن بود. از طرفی با رحلت آقای بروجردی، زندگی سیاسی مذهبی امام خمینی (ره) وارد مرحله جدیدی می‌گردد.

امام عموماً حرمت زعامت و مرجعیت را در قم پاس می‌داشت. علی‌رغم این که استاد برجسته قم بود اما در جلسات درس آقای بروجردی شرکت می‌نمود و از موضع‌گیری صریح سیاسی در مقابل نظام حاکم پرهیز می‌کرد. از طرف دیگر پس از وفات مرجعیت جهان تشیع، شاه پیام تسلیت رحلت آیت الله بروجردی را به جای ارسال به قم، برای آیت ا. حکیم در عراق می‌فرستد و این نشان از تمایل شاه برای انتقال کانون مرجعیت به خارج از کشور است. مواضع سیاسی امام خمینی (ره) در مقابل رژیم، مراحل زیر را پشت سر می‌گذارد:

مرحله اول- حمایت از قانون اساسی؛ ایشان می‌گویند: پدران ما قانون اساسی را با خون خود خریده‌اند. ما اجازه نمی‌دهیم حکومت قانون اساسی را نابود کند. خواست ما تنها اجرای قوانین است (رجبی، ۱۳۷۷ الف: ۴۶)

مرحله دوم- با قدرت گرفتن دربار و اراده مطلقه و فراقانونی شاه برای زیر پا نهادن قانون اساسی مشروطه، حمایت از شرع و قانون اسلام به‌عنوان تنها قانون قابل قبول محور عمل امام قرار می‌گیرد.

در این مرحله رژیم حاکم در عرصه سیاست خارجی به اتحاد استراتژیک با آمریکا و اسرائیل رسیده و به قول مارک گازیورسکی دولت دست‌نشانده در ایران صورت‌بندی گردیده و در عرصه سیاست داخلی نیز سرکوب ملت و مواجهه با روحانیت و نیروهای سیاسی وطن‌خواه عملی گردیده است. سرکوب قیام ۱۵ خرداد، حمله به حوزه علمیه قم، زندانی و تبعید نمودن حضرت امام نشانگان آشکار رفتار سرکوب‌گرانه رژیم در این دوران است.

در این مرحله نوآوری سیاسی امام، ارائه الگویی از اسلام مبارز می‌باشد.

امام خمینی در این مرحله سه معضل بزرگ ایران و اسلام را «خودکامگی و اسلام ستیزی شاه»، «دخالت‌های آمریکا در امور ایران» و «حمایت پنهان شاه از اسرائیل» عنوان می‌نماید.

نوآوری سیاسی امام خمینی در این مرحله این است که «اسلام» و «ایران» را به‌عنوان دو واژه کلیدی در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و در مقابل سیاست رژیم مبنی بر القاء ستیز بین اسلام و ایران می‌ایستد و حوزه را وارد میدان مبارزه سیاسی می‌نماید. او به شاه می‌گوید:

من به شما نصیحت می‌کنم ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت می‌کنم، دست از این اعمال و رویه بردار. من میل ندارم که اگر روزی ارباب‌ها بخواهند بروی، مردم شکرگزاری کنند. من نمی‌خواهم مثل پدرت شوی. نصیحت مرا بشنو. از روحانیت بشنو، از علمای اسلام بشنو، این‌ها صلاح مملکت را می‌خواهند. از اسرائیل نشنو، اسرائیل به درد تو نمی‌خورد، بدبخت، بیچاره. (صحیفه امام، ج ۱: ۲۴۵)

نظام استبدادی حاکم بر ایران امام را به ترکیه و سپس به عراق تبعید می‌نماید، اما مبارزه با رژیم حاکم ادامه دارد.

در سال ۱۳۴۸ خورشیدی مرحله سوم موضع‌گیری سیاسی امام در مقابل نظام استبدادی در سلسله درس‌های ولایت فقیه در نجف صورت‌بندی می‌گردد.

مرحله سوم - حکومت اسلامی به‌عنوان حکومت شرع و قانون الهی است و هیچ کس حق قانونگذاری ندارد.

طرح کلی اندیشه حکومت اسلامی در ضمن سلسله درس‌های امام خمینی در نجف مطرح گردید و حاصل آن کتاب ولایت فقیه بود. این یک نوآوری بزرگ در اندیشه سیاسی امام (ره) بود.

با آغاز مجدد نهضت اسلامی در سال ۱۳۵۶ علاوه بر تأکید بر خصلت منفی شاه (دین‌سپیزی، وابستگی به اجانب و ظلم)، سه موضوع به تدریج در صدر اهداف نهضت (و سپس انقلاب اسلامی) قرار گرفت. یکی عزل محمدرضا شاه پهلوی، دوم انقراض خاندان پهلوی و سپس کمی با تأخیر ابطال نظام سلطنتی.

امام خمینی با اعتراض به ذاتیات نظام سلطنت از قبیل عدم دخالت مردم در گزینش نظام سلطنت، موروثی بودن و مادام‌العمر بودن آن، نظام سلطنتی را باطل اعلام کرد. در رویکرد سیاسی فقهی امام خمینی (ره)، از آن‌جا که نظام سلطنتی نظام به بند کشیدن انسان‌ها و مبتنی بر نابرابری و تفرعن است، مستوجب سرنگونی است.

مرحله چهارم - تشکیل نظام جمهوری اسلامی؛ مهمترین اقدام ماندگار و بدیع امام خمینی بنیانگذاری نظام جمهوری اسلامی بود. جمهوری اسلامی از دیدگاه امام خمینی در هفت ضابطه خلاصه می‌گردد:

الف - جمهوری اسلامی حکومتی است متکی بر ضوابط اسلام؛ قانون اساسی آن اسلام است و الگوی رفتاری آن شیوه پیامبر (ص) و امام علی (ع) در حکومت است (صحیفه امام، ج ۳: ۵۱۴-۵۱۵ و ج ۴، ص ۳۳۴).

ب - جمهوری اسلامی حکومتی است متکی بر آراء عموم. مراد از جمهوریت تکیه بر آرای اکثریت مردم است. مملکت توسط نمایندگان واقعی مردم اداره می‌شود. از آن‌جا که حق تعیین سرنوشت به دست خود ملت است. حتی نوع حکومت پیشنهادی ما (جمهوری اسلامی) نیز به رأی عموم گذاشته می‌شود (همان، ج ۴: ۳۳۴).

پ - شکل حکومت، جمهوری است. جمهوری به همان معنا که در همه جا جمهوری است (همان، ج ۵: ۱۸۱).

- ج- جمهوری اسلامی حکومتی مستقل است، وابسته به شرق و غرب نیست (همان، ج ۵، ۴۲۰).
- چ- جمهوری اسلامی حکومتی مبتنی بر عدالت اجتماعی است، حکومتی عادلانه است (همان، ج ۸، ص ۴۸۵).
- ح- جمهوری اسلامی، حکومتی مبتنی بر آزادی است. دموکراسی اسلام، کامل‌تر از دموکراسی غرب است. در جمهوری اسلامی، استبداد و دیکتاتوری وجود ندارد (همان، ج ۶، ص ۵۲۵).
- خ- وظیفه علمای اسلام نظارت بر قوانین است. روحانیت نقش ارشاد و هدایت دولت را بر عهده دارد (همان، ج ۱۵، ص ۳۹۸).

در اندیشه سیاسی امام خمینی، جمهوری اسلامی هرگز به مرز استبداد نمی‌رسد؛ زیرا زمانی که حاکم اسلامی استبداد پیشه کند خودبه‌خود معزول است. در دموکراسی غربی، وظیفه زمامدار اداره جامعه است نه هدایت آن؛ اما امام وظیفه زمامدار را اداره و هدایت جامعه می‌داند. سیاست از دیدگاه امام عبارت است از هدایت و رهبری جامعه برای تأمین مسائل و نیازهای واقعی و نیازهای نوبه‌نو شونده که برای تأمین این نیازها استفاده از عقل و دانش از ضروریات است.

نوآوری امام در عرصه سیاست، ارائه الگوی سیاست رحمانی است. عدالت‌گرایی، سلطه‌ستیزی، آزادی‌خواهی و عدم انفکاک دین از سیاست، شاخص‌های سیاست رحمانی می‌باشند.

امام در عرصه سیاست‌ورزی به طرح کلیدواژه اسلام ناب پرداخت؛ اسلام مبتنی بر اصول قرآن و دارای فقه پویا و احکام متعالی. خردورزی و انصاف در مبادی حقوق اسلام ناب دارای نقش اساسی است. امام با طرح اسلام ناب، با سه قرائت دیگر از اسلام مبارزه نمود: اسلام آمریکایی، اسلام مقدسین متحجر و اسلام التقاطی. امام می‌فرمود زخم زبانی که پدر پیر شما از این گروه (مقدسین متحجر) خورد از گلوله و سرب محمدرضا هم نخورد.

نوآوری دیگر امام در عرصه سیاست، دخالت دادن اخلاق و ایمان در قدرت بود. آن عنصری که توجه اندیشمندان جهان را به خود جلب کرد و الگویی متفاوت برای تحلیل انقلاب اسلامی را ارائه کرد.

«این انقلاب با الگوها و انتظارات مطلعین از اوضاع ایران سازگار نبود. زیرا تاکنون دیده نشده بود یک رهبر مذهبی، سردمدار پرشور و پرآوازه یک انقلاب علیه نظام سلطنتی شود که حاکمش مدعی حقانیت خود و صحت برنامه‌های اصلاحی‌اش و پیوندش با گذشته ملی سرزمینش بود (نیک‌کلی، ۱۳۶۹: ۱۵).

ایمان به خدا مبنای تفکر و اندیشه سیاسی امام خمینی بود، به علاوه استقامتی عجیب بر تصمیمات خود داشت و در کنار آن بر نظرات جمع پایبند بود. اندیشه سیاسی امام خمینی بین آرمان‌های انسانی و واقعیات اجتماعی تناسب ایجاد می‌نمود و این شاخص‌ها به پیروزی انقلاب اسلامی و پایان استبداد سلطنتی در ایران مدد رساند.

۲- نوآوری فقهی

۲-۱ نوآوری در ولایت سیاسی فقیه

اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) که اساس جمهوری اسلامی است آشکارا تأکید بر رهیافت ایجابی دولت و تأکید بر ولایت سیاسی فقیه دارد و این نوآوری اعجاب‌انگیز امام در سال‌های پایانی قرن بیستم بود. ولایت

فقیه اساس نظم سیاسی دوره غیبت در دستگاه فکری امام است. به نظر ایشان «در عصر غیبت ولی امر و سلطان عصر (عج) نمایان آن حضرت که فقیهان جامع‌الشرایط برای فتوا و قضاوتند جانشین آن حضرت در اجرای سیاست و مسائل حکومتی و سایر امور مربوط به امام معصوم (به جز جهاد ابتدایی) هستند (زندگی سیاسی امام خمینی، ۱۳۷۷: ۴۴۳).

مجتهد عادل در اندیشه امام فقیهی است که شغل او تحقیق در احکام شرع و روایت حدیث شیعه است و از این طریق بر مجموعه قابل توجهی از احکام ائمه(ع) آگاهی دارد. با تکیه بر چنین دیدگاهی است که در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۸۹).

امام خمینی(ره) در توصیف شرایط فقیه حاکم می‌گوید:

«مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که براساس آن، نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین جاست که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد. بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد... این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد» (همان: ۱۷۸).

امام خمینی همچنین در پاسخ به استفتاء نمایندگان خویش در دبیرخانه ائمه جمعه و جماعات سراسر کشور، شرط تولی امور مسلمین را آراء اکثریت آنان می‌داند و در این پرسش که در چه صورت فقیه جامع‌الشرایط بر جامعه اسلامی ولایت دارد؟ می‌نویسد: «ولایت در جمیع صور دارد. لکن تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آراء اکثریت مسلمین که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است و در صدر اسلام تعبیر می‌شده به بیعت با ولی مسلمین» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۴۵۹).

نکته بااهمیت در الگوی جمهوری اسلامی مطلوب امام(ره)، جایگاه ممتاز مجلس خبرگان در حل مسئله جانشینی و اختیارات آن در عزل و نصب رهبر حکومت اسلامی است. بُعد دیگر نوآوری فقهی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) و قانون اساسی متأثر از آن، تأسیس مجلس خبرگان و ورود عنصر رأی مردم به گزینش رهبری و حذف شرط مرجعیت از شرایط رهبری و اکتفا به اجتهاد در شروط ولایت فقیه است. در این جا تعیین رهبری، شیوه‌ای نو به خود می‌گیرد و ایجاد واسطه‌ای به نام مجلس خبرگان در گزینش رهبری عملاً مانع بروز هرگونه پوپولیسم می‌گردد و تضاد بین نخبگان و توده‌ها در مسئله رهبری از بین می‌رود.

در صورتی که قبل از تشکیل دولت اسلامی و طبق سنت مرجعیت این ترویج خواص و پذیرش عوام بود که سبب مرکزیت و محوریت یک مرجع تقلید می‌شد. همچنین ضرورت تشکیل حکومت توسط فقها و مجتهدین است که وظایف امام معصوم را در اقامه شریعت برعهده دارند. بر اساس الگوی بدیع امام خمینی(ره) حکومت اسلامی در عصر غیبت تشکیل می‌گردد و فقاقت و اجتهاد شرط الزامی رهبر دولت اسلامی اعلام می‌گردد و تعیین آن نیز به وسیله خبرگان ملت است.

۲-۲ احیاء قاعده مصلحت در فقه سیاسی

مصلحت عامه در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) امری الزامی است. امام در کتاب حکومت اسلامی می‌گوید: اگر ما به‌عنوان یک مقدمه واجب، دولت اسلامی را تأسیس نکنیم، بسیاری از احکام تعطیل می‌شوند. ما از باب واجب مقدمی و برای آنکه فرایضی مثل امر به معروف و نهی از منکر و حدود و دیات و قصاص و غیره اجرا شوند، باید دولت اسلامی را تأسیس کنیم. هر قانونی، اعم از الهی و غیرالهی، باید ضامن اجرا داشته باشد و دولت اسلامی ضامن اجرای قوانین اسلامی است. لذا کسب قدرت و حفظ آن از اوجب واجبات است.

حال دولت اسلامی تشکیل می‌شود و اجرای بعضی حدود و احکام موجب تحریک محیط بین‌الملل علیه دولت اسلامی می‌شود. نوآوری فقهی امام (ره) در این عرصه این است که فتوا می‌دهند آنچه موجب وهن نظام است و نظام را تضعیف می‌نماید تعطیل شود. حفظ نظام بالاترین مصلحت و بلکه یک مصلحت ملی است. در نظریه سیاسی امام خمینی این‌گونه نیست که حکومت قدرت را به دست بگیرد تا فقط شریعت را اجرا کند بلکه در بسیاری از مواقع حتی اگر شریعت به هر دلیل با روح اسلام و با مجموعه‌ای به نام مصالح دین تضاد پیدا کند، شریعت اجرا نمی‌شود. مثال بارز این امر هم حکم ارتداد یا بحث سنگسار است. بنابراین در اندیشه سیاسی امام خمینی، نظریه اجتهادی فقیه، واسطه نص و سیاست است.

مصلحت مورد نظر امام، مصلحت مرسله است که در آن دولت می‌تواند قراردادهای خود را یک طرفه با مردم فسخ کند و به خاطر مصالح کشور و اسلام، مزارعه و مضاربه و بسیاری از معاملات شرعی هم تعطیل شود.

بدین ترتیب، دولت اسلامی در حوزه عمومی به‌عنوان خلف شارع و با هدف تأمین مصالح ملی، قانون وضع می‌کند.

۳- نوآوری‌های سیاسی امام (ره)

۱-۳ اهتمام به حقوق زنان

تحول و نوآوری پدید آمده در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) درباره فعالیت سیاسی و حقوق اساسی زنان مبتنی بر تحولات رخ داده در بستر اجتماع و دولت است.

الگوی اندیشه‌ای امام دفاع از حیثیت و حقوق زن است. امام در زمان پهلوی‌ها و با توجه به نابسامانی‌های اخلاقی ناشی از کشف حجاب، آشکارا به مخالفت با حضور زنان در عرصه‌های سیاسی در قبل از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ پرداخت. امام در این مقطع با استناد به احکام اسلام و قانون اساسی مشروطه، لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را مورد انتقاد قرار داد. امام در تلگراف به اسدالله علم (نخست وزیر وقت در ۲۸ مهر ۱۳۴۱) می‌گوید:

«ورود زنها به مجلسین و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و شهرداری مخالف [است با] قوانین محکم اسلام که تشخیص آن به نص قانون اساسی (مشروطه) محول به علمای اعلام و مراجع فتواست، و برای دیگران حق دخالت نیست، و فقهای اسلام و مراجع مسلمین به حرمت آن فتوا داده و می‌دهند. در این صورت حق رأی

دادن به زن‌ها و انتخاب آنها در همه مراحل، مخالف نص اصل دوم از متمم قانون اساسی است» (صحیفه امام، ج ۱: ۸۰)

در این مقطع امام خمینی (ره) بین دخالت زنان در انتخابات یا اعطای حق رأی به زنان یا وارد کردن نیمی از جمعیت ایران در جامعه (به تعبیر رژیم استبدادی وقت) با گسترش فساد و فحشا ملازمه می‌دید و از این حیث ظاهراً شرکت زنان در انتخابات را نه در استقلال خود، بلکه چونان مقدمه حرام (یعنی گسترش فحشا) تحریم می‌کرد. با تغییر نظام سیاسی و گسترش روابط اجتماعی نسبتاً مناسب بین زن و مرد در عرصه عمومی و در دوران حیات جمهوری اسلامی، امام به لزوم شرعی حضور زنان در انتخابات و مجلس و غیره اصرار می‌نماید.

امام با درک تحول و مقتضیات زمان و از پایگاه دیانت با تکیه بر خرد بشری به نوآوری در الگوی مواجهه با حقوق اساسی زنان می‌پردازد. امام درباره وضعیت زنان در جمهوری اسلامی می‌گوید: «زنان همچون مردان در ساختن جامعه اسلامی فردا شرکت دارند. آنان از حق رأی دادن و رأی گرفتن برخوردارند. در مبارزات اخیر ایران، زنان ایران نیز سهمی چون مردان دارند. ما همه گونه آزادی را به زن خواهیم داد. البته جلوی فساد را می‌گیریم و در این مورد دیگر بین زن و مرد فرقی نیست» (همان، ج ۵: ۵۲۰).

امام خمینی بدین سان با نظریه‌های سنتی و حتی مشروطه درباره محدودیت حضور زنان در زندگی سیاسی آشکارا فاصله می‌گیرد.

۲-۳ خوانش مجدد دستگاه روحانیت

«روحانیت راستین اسلام و تشیع» گزاره‌ای است که امام (ره) در مقابل آخوندهای درباری و متحجرین به کار می‌برد. وصف روحانیت راستین اسلام و تشیع از لسان بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی ایران این‌گونه است: «سلام بر آنان که تا کشف حقیقت تفقه به پیش تاختند و برای قوم و ملت خود منذران صادقی شدند که بندهند حدیث صداقتشان را قطرات خون و قطعات پاره پاره پیکرشان گواهی کرده است... اگر فقهای عزیز نبودند، معلوم نبود امروز چه علومی به عنوان علوم قرآن و اسلام و اهل بیت - علیهم السلام - به خورد توده‌ها داده بودند» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۷۳-۲۷۴).

مطابق رویکرد امام (ره)، اتکای روحانیت راستین بر اسلام ناب محمدی است. امام همان‌گونه که الگوی دوگانه اسلام ناب محمدی - اسلام آمریکایی را تبیین می‌نماید، به تبیین دوگانه روحانیت راستین - مقدس‌نمایان ساده‌لوح این‌گونه می‌پردازد: «البته هنوز حوزه‌ها به هر دو تفکر آمیخته‌اند و باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست از لایه‌های تفکر اهل جمود به طلاب جوان سرایت نکند و یکی از مسائلی که باید برای طلاب جوان ترسیم شود، همین قضیه است که چگونه در دوران وانفسای نفوذ مقدسین نافهم و ساده‌لوحان بی‌سواد، عده‌ای کمر همت بسته‌اند و برای نجات اسلام و حوزه و روحانیت از جان و آبرو سرمایه گذاشته‌اند. اوضاع مثل امروز نبود، هر کس صددرصد معتقد به مبارزه نبود زیر فشارها و تهدیدهای مقدس‌نماها از میدان به در می‌رفت. ترویج تفکر «شاه سایه خداست و یا با گوشت و پوست

نمی‌توان در مقابل توپ و تانک ایستاد و این‌که ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم و یا جواب خون مقتولین را چه کسی می‌دهد و از همه شکننده‌تر، شعار گمراه‌کننده حکومت قبل از ظهور امام زمان (ع) باطل است و هزاران «ان قلت» دیگر، مشکلات بزرگ و جان‌فرسایی بودند که نمی‌شد با نصیحت و مبارزه منفی و تبلیغات جلوی آن‌ها را گرفت، تنها راه‌حل، مبارزه و ایثار خون بود» (صحیفه امام (ره) ج ۲۱، ۲۷۹)

به راستی قریب یک دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران، چرا امام همدارگونه با تبیین دوگانه روحانیت راستین - مقدس‌نمایان ساده‌لوح، به خطر متحجرین می‌پردازد؟! امام این جریان را یک خط انحرافی می‌داند که این کجروی‌ها اگر خدای نخواست به جایی برسد و خللی در جمهوری اسلامی ایران وارد شود، اسلام چنان سیلی از غرب و شرق و وابستگان به آنان می‌خورد که قرن‌ها بالاتر از عصر ستم‌شاهی خواهیم بود (صحیفه امام، ج ۲۰: ۴۴۲).

«امروز عده‌ای با ژست مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس‌نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست. طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش‌خط و خال کوتاهی نکنند، این‌ها مروج اسلام آمریکایی‌اند و دشمن رسول الله. آیا در مقابل این افعی‌ها نباید اتحاد طلاب عزیز حفظ شود؟!

... دیروز مقدس‌نماهای بی‌شعور می‌گفتند دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است، امروز می‌گویند مسئولین نظام کمونیست شده‌اند! ...

دیروز حجتیه‌ای‌ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بجهوه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی‌تر از انقلابیون شده‌اند» (صحیفه امام، ج ۲۱، ۲۷۸-۲۸۱).

امام، روحانیت راستین را که به تارک جبین‌شان خون شهادت نقش بسته است و تاریخی هزار ساله در تحقیق در راه بارور ساختن نهال مقدس اسلام دارند، نماینده اسلام ناب محمدی می‌داند؛ در مقابل متحجرین مقدس‌نمایان، و عاظ‌السلطین و آخوندهای درباری را نماینده اسلام آمریکایی معرفی می‌نماید.

۴- نوآوری فرهنگی

نقش امام خمینی (ره) به عنوان نظریه‌پرداز جمهوری اسلامی، بنیانگذار نظام سیاسی جدید و رهبر بی‌بدیل ملت ایران، نقشی ویژه و منحصر به فرد در عرصه تحولات داخلی و بین‌المللی در ده ساله اول انقلاب اسلامی به وی عطا نموده بود. حکومت ممتاز و معنوی امام بر قلوب آحاد ملت ایران و همچنین ملل مستضعف جهان هر کنش رفتاری وی را به یک الگوی غالب فرهنگی تبدیل می‌نمود. در منظومه بدایع و نوآوری‌های امام (ره)، نوآوری‌های فرهنگی وی در مقابل یک رهبر سیاسی و مذهبی از اهمیت برخوردار است که مؤلفه‌هایی از آن تبیین می‌گردد.

۴-۱-۱ ارائه الگوی جدید از اخلاق حکمرانی

گفتمان اخلاقی حاکم در عرصه سیاست‌ورزی اخلاق ماکیاولیستی است. مهم‌ترین وجه این اخلاق، گزاره معروف «هدف وسیله را توجیه می‌کند» می‌باشد. در این گفتمان اخلاقی، کسب و حفظ قدرت، مهمترین هدف سیاسی است. دین ابزاری در خدمت کسب قدرت حاکمان است؛ معنویت که روح ایمان است قابل جمع با سیاست به مفهوم کسب قدرت نیست. کسب و توسعه قدرت هرگونه عمل غیر اخلاقی را اعم از ترور فیزیکی و یا ترور متافیزیکی انسان‌ها را چه به صورت جمعی چه به صورت فردی توجیه می‌نماید. اما امام دغدغه جمع معنویت و سیاست را دارد. سیاست را علم انبیاء معرفی می‌نماید، برداشت امام از سیاست در چارچوب فلسفه صدرایی است. مطابق فلسفه سیاسی امام خمینی (ره)، سیاستمدار سفری از خلق به سوی حق، از حق در حق، از حق با خلق و از خلق با حق دارد (اسفار اربعه).

امام وقتی که از پایگاه سیاست‌ورزی به دین نگاه می‌کند، درک از دین، یک درک مناسکی نیست؛ بلکه درکی معنوی دارد و در پی ترویج معنویت دین با سیاست‌ورزی است. این‌گونه است که امام (ره) در نامه‌ای به رئیس وقت ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌نماید که خانواده متهمان کودتای نوژه در مضیقه معیشت و مسکن قرار نگیرند (سیدحسین خمینی، روزنامه اطلاعات، ۱۵ اسفند ۱۳۸۸).

نوع مواجهه امام با دشمنان حربی نظام، الگویی از اخلاق حکمرانی در اسلام است. لذا نوآوری فرهنگی امام ارائه اخلاق حکمرانی به شیوه‌ای جدید با مختصات زیر است:

۴-۱-۱-۱ صدق و راستی

همان‌گونه که نگاه ابزاری به اخلاق، اصلی‌ترین معیار تمییز اخلاق ماکیاولیستی است، صدق و راستی اصلی‌ترین مشخصه الگوی سیاست‌ورزی امام خمینی (ره) است. امام به زبانی ساده و قابل فهم برای توده‌ها با مخاطبین خود سخن می‌گفت. شیشه ویتترین سیاست‌ورزی امام برای توده‌ها مات و کدر نبود، بلکه شفاف و زلال بود. این زلالیت و شفافیت نشأت گرفته از معنویت دین اسلام بود که امام آن را با سیاست پیوند زده بود. تقویم ده ساله اول انقلاب روز شمار صداقت یک رهبر با ملت خود بود. عیار ممتاز صداقت او پشتیبانی قاطع ملت را از انقلاب و نظام رقم زد؛ برای مثال پانزده روز قبل از پایان جنگ، امام در نامه‌ای به نخست‌وزیر وقت شبهه در جنگ را خیانت به رسول‌الله می‌داند، اما وقتی که پای مصلحت نظام و اسلام در میان است صدقانه با مردم سخن می‌گوید و «نوشیدن جام زهر» را فریاد می‌کند. صداقت امام امت با امت، پذیرش پایان جنگ را که تقدسی ایدئولوژیک داشت بر رزمندگان ایران اسلامی سهل و آسان نمود.

۴-۱-۲ نقدپذیری و نصیحت‌پذیری

حکمرانان زیادی در جهان به استبداد در شیوه حکمرانی شهره تاریخ‌اند. در ایران نیز وضعیت بدین‌گونه بوده است. در دربار انوشیروان که به عادل معروف است بنا به پیشنهاد شاه یکی از ایرانیان سخنی از سر دلسوزی و نقد به زبان می‌راند؛ اما به دستور این شاه عادل؟! با قلمدان‌ها آن‌قدر بر سر وی می‌کوبند که آن

فرد ناقد می‌میرد (ابن مسکویه، تجارب الامم: ۶۹). پس از اسلام نیز گسستی از این وضعیت ایجاد نشد زیرا اندیشه و فرهنگ استبدادی جان‌سخت در ایران همچنان در مقابل نفوذ معنویت اسلام مقاومت نمود؛ لذا درک حکمرانان خودکامه از اسلام درکی مناسکی بوده، آنان صرفاً مناسک دین را به جای می‌آورند؛ اما معنویت اسلام را چون تحدیدکننده قدرت خودکامه آنان بود نمی‌پذیرفتند. امام اولین سیاستمداری است که از این وضعیت گسست ایجاد می‌نماید و نقدپذیری را به‌عنوان اخلاق حکمرانی به پیروان خود می‌آموزد. زمانی که نمایندگان مجلس سوم شورای اسلامی، قانونگذاری مجمع مصلحت منصوب وی را برخلاف نص صریح قانون اساسی دانسته و در نامه‌ای به این معضل اشاره می‌کنند، پاسخ امام (ره) چنین است: «مطلبی که نوشته‌اید کاملاً درست است ان‌شاءالله تصمیم دارم در تمام زمینه‌ها وضع به صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم... از تذکرات همه شما سپاسگزارم و به همه شما دعا می‌کنم.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۰۳)

«آنچه در این سال‌ها انجام گرفته است در ارتباط با جنگ بوده است، مصلحت نظام و اسلام اقتضا می‌کند تا گره‌های کور قانونی سریعاً به نفع مردم و اسلام باز گردد» (همان، ج ۲۱، ص ۲۰۳).

۴-۱-۳ ستیز پرهیزکارانه با ستایش افراط‌گونه اطرافیان

شاید آن روز که محمدرضا پهلوی به‌عنوان جوانی خجول و سر به زیر که در سایه پدری خودکامه رشد و نمو نموده بود، به عنوان شاه جدید سوگند یاد کرد، کسی تصور نمی‌کرد کمتر از هشت سال بعد آن‌چنان خودکامه‌ای گردد که با تشکیل مجلس مؤسسان اختیارات سلطنت را افزایش دهد. مجلس سنا ایجاد کند، حق انحلال مجلس شورای ملی را از آن نهاد سلطنت نماید و خلاصه یک شاه کودتاچی گردد.

منطق درونی کنش سیاسی ایرانیان که حکایت از ستایش افراط‌گونه حاکمان از سوی اطرافیان دارد در صورت‌بندی رفتار استبدادی حاکمان تأثیر عمیق دارد. این همان نقطه کانونی است که بسیاری از حاکمان را به چاه ویل استبداد و خودکامگی کشاند و امام (ره) با ابرار ایمان الهی و خرد بشری به آن واقف بود و صریحاً به رد و ذم آن پرداخت.

در چهارم خرداد ۱۳۵۹ در دیدار نمایندگان مجلس شورای اول اسلامی با امام (ره)، فخرالدین حجازی سخنران سرشناس، متن گفتاری خود را با جمله "بابی انت و امی" آغازید و بقیه محتوای سخنرانی در تجلیل از مقام والای امام بود.

شاید ارائه چنین سخنرانی به علت شخصیت استثنایی امام و نفوذ عمیقی که در دل توده‌ها داشت به لحاظ فرهنگی، امری طبیعی بود، اما امام با گلایه چنین پاسخ می‌دهد:

«من به خدای تبارک تعالی پناه می‌برم از غرور. من اگر خودم را برای خودم نسبت به سایر انسان‌ها یک مرتبتی قائل باشم، این انحطاط فکری است و انحطاط روحی» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۳۴۳).

نه سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور آیت الله مشکینی سخنرانی ستایش‌آمیز درباره امام بر زبان می‌راند و پاسخ امام (ره) به وی این‌گونه است: «ما آن قدری که گرفتار به نفس

خودمان هستیم کافی است؛ دیگر مسائلی نفرمایید که انباشته بشود در نفوس ما و ما را به عقب برگرداند. شما دعا کنید که آدم بشویم، دعا کنید که حتی به همین ظواهر اسلام عمل بکنیم...» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۹۴).

۴-۱-۴ توده‌گرایی

از آن‌جا که امام (ره)، معنویت و روح اسلام را که برای انسان به ما هو انسان ارزش و کرامت و مقام خلیفه الهی قائل بود، با سیاست پیوند زده بود، هیچ‌گاه نگاه ابزاری به توده‌های مردم نداشت. نقطه عزیمت توده‌گرایی امام (ره) گفتار وی بود. او به زبان ساده و شیوا و توده فهم و البته با صداقت و راستی با مردم سخن می‌گفت.

مطابق سنت استبدادی دیرپای ایرانی، چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام، مردم همواره از دیدگاه حکومت، محلی از اعراب نداشتند. امام با پیوند جمهوریت با اسلامیت، میزان را رأی ملت قرار داد و مجلس شورای اسلامی را حاصل الله اکبرهای مردم و خانه ملت نام نهاد. او مردم را ولی نعمت حاکمان می‌دانست. امام (ره) در نامه‌ای به آیت‌الله گلپایگانی در ۲۵ مهرماه ۱۳۶۷ این‌گونه از حقوق توده‌های مردمی دفاع می‌نماید:

«اگر وضع به همان منوال خان‌خانی و بورس بازی و زمین‌خواری بماند ... و یک طبقه عظیم فقرا... با فقر و فاقه زندگی کنند، برای حکومت اسلام و اسلام و قانون اساسی باید فاتحه خواند... من میل ندارم که تهمتی که سال‌ها است به روحانیون می‌زنند و می‌زدند که اینان طرفدار زمین‌خواران و سرمایه‌داران بزرگ هستند و با طرفداری خود موجب ظلم به مردم مستمند می‌شوند شاهد پیدا کند و به ما بچسبانند!» (صحیفه امام ج ۱۵: ۳۱۱-۳۱۲).

امام (ره) صرفاً قرائت خواص از اسلام را عین اسلام نمی‌داند؛ بلکه مطابق آیه قرآنی «فطره الله فطر الناس علیها لا تبدل لخلق الله ذالک الدین القیم» اسلام را دین نازل شده بر فطرت انسان‌ها می‌داند و می‌گوید: «ملت می‌خواهد که قوانین اسلام در این مملکت پیاده بشود... ملت روحانیت را به تبع اسلام می‌خواهد اگر خدای نخواسته روحانی هم برخلاف اسلام بکنند، آن هم یک ساواکی است... این معناها را از گوش‌هایشان بیرون کنند آقایان که این مردم دیگر از جمهوری اسلامی کنار رفته‌اند. خیر شماها کنار رفته‌اید. شما خودتان را علاج کنید... و این مردم هم از مجلس، مادامی که مجلس بر طریقه اسلام باشد و از دولت، مادامی که دولت بر طریقه اسلام باشد و از رئیس جمهور، مادامی که رئیس جمهور در طریق اسلام باشد، طرفداری می‌کنند. هر کدامتان بلغزید، مردم دیگر از شما طرفداری نمی‌کنند. برای این‌که مردم اسلام را می‌خواهند...»

امر دایر می‌شود بین شما و اسلام، کدام مسلمان است که شما را بر اسلام ترجیح بدهد؟» (همان، ج ۱۴: ۳۷۲). توجه به توده‌های مردمی که با عناوینی چون کاخ‌نشینان، طبقات محروم، مستضعفین و... در لسان امام خمینی (ره) یاد می‌شوند در وصیت نامه الهی، سیاسی ایشان عیان‌تر است. امام (ره) خطاب به خواص و نخبگان چنین می‌فرماید: «با پشتیبانی مردم خصوصاً طبقات محروم بود که پیروزی حاصل شد و دست ستمشاهی از

کشور و ذخائر آن کوتاه گردید و اگر روزی از پشتیبانی آنان محروم شوید شماها کنار گذاشته می‌شوید و همچون رژیم شاهنشاهی ستمکار به جای شما ستم‌پیشگان پست‌ها را اشغال می‌نمایند. بنابراین حقیقت ملموس باید کوشش در جلب نظر ملت بنمایید و از رفتار غیر اسلامی - انسانی احتراز نمایید (همان، ج ۲۱، ص ۴۲۶).

«فرجام سخن»

قرن بیستم به باور اندیشمندان، عصر سرعت تغییر نام نهاده شده؛ به دلیل وقوع تحولات جهان سوم، گسترش وسایل ارتباط جمعی و پیشرفت‌های تکنولوژیک و تحول در الگوهای مدیریت و اداره جوامع، عصر توجه به نوآوری‌های صورت‌بندی شده در این عرصه‌هاست. وقوع هر تغییر، نماد صورت‌بندی یک نوآوری در عرصه‌های فرهنگ، اقتصاد و سیاست است. صاحبان اندیشه‌های سیاسی دائرمدار بخش مهمی از تغییرات و نوآوری‌های رخ داده در عرصه اجتماع و سیاست می‌باشند. اما انقلاب اسلامی بزرگترین تغییر صورت یافته در قرن بیستم بود و این انقلاب دستاورد شکوفایی در اندیشه سیاسی امام خمینی بود.

امام خمینی (ره) از رهبران بزرگ سیاسی و مذهبی قرن بیستم است که هدایت و رهبری یک انقلاب بزرگ مذهبی علیه استبداد را برعهده داشت و نظام جمهوری اسلامی را بنیان نهاد. تأسیس یک نظام جمهوری اسلام‌بنیاد در اوج هجوم مدرنیته به جهان اسلام، نوآوری بزرگ امام خمینی در این قرن است. توماس اسپریگنز صورت‌بندی اندیشه‌های سیاسی نو را در پاسخ به بحران‌های اجتماعی و سیاسی می‌داند. اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) نیز یک نوآوری و یک پاسخ جدید به بحران دامن‌گیر جامعه آن روز ایران و حکومت استبدادی و رو به زوال پهلوی‌ها بود.

امام نوآوری را در سنتی‌ترین و دیرپاترین لایه‌های اجتماعی ایران که نهاد هزارساله حوزه می‌باشد، آغاز نمود. او با ایمان، هوشمندی و تدبیر همه مخالفان خود را به تسلیم وا داشت. طومار یک رژیم استبدادی کهن را در هم پیچید و شکوفایی نهال جمهوری اسلامی را به پیروان خود نوید داد.

تبیین اندیشه سیاسی امام خمینی الگویی است برای آحاد کسانی که مجدانه در پی عظمت، افتخار، توسعه و تعالی ایران اسلامی می‌باشند. الگوی اندیشه‌ای امام (ره) به رهروان آن می‌آموزد که اولین مؤلفه اندیشه نوآورانه، باور به الزامی بودن تغییر، دگرگونی و تحول در اجتماع، فناوری و اندیشه انسان‌هاست.

دومین مؤلفه اندیشه نوآورانه این است باید با تغییرات به صورت هماهنگ حرکت نمود. نباید دنگ‌کشوت‌وار و با شمشیر چوبین به جنگ تغییرات رفت.

سومین مؤلفه اندیشه نوآورانه، مدیریت تغییر است. باید تغییر را با هوشمندی و تدبیر مدیریت نمود. لذا امام (ره) اراده به ایجاد تغییر و نوآوری را در سنتی‌ترین لایه‌های جامعه آغاز نمود و در عصر هژمونی گفتمان مدرنیته و اومانیسیم غربی، بازگشت به معنویت و ارزش‌های الهی و ایجاد نظام جمهوری مبتنی بر اسلام را به منصفه ظهور رساند.

فهرست منابع

- ۱- ابوعلی مسکویه رازی، (۱۳۶۶) **تجارب الامم**، ترجمه محمد فضایلی، تهران، انتشارات زرین.
- ۲- اسپریگنز، توماس، (۱۳۷۷) **فهم نظریه‌های سیاسی**، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، انتشارات آگاه.
- ۳- ایمانی سطوت، علی، (۱۳۸۳) **مبانی و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)**، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- ۴- حجازیان، سعید، (۱۳۸۰) **از شاهد قدسی تا شاهد بازاری**، تهران، طرح نو.
- ۵- خمینی، روح الله (۱۳۲۳ ه.ش) **کشف اسرار**، تهران، بی تا.
- ۶- خمینی، روح الله، (۱۳۹۰ ه.ق) **تحریر الوسیله**، قم، نشر نجفی.
- ۷- خمینی، روح الله، (۱۳۷۸) **ولایت فقیه یا حکومت اسلامی**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۸- رجبی، محمد حسن، (۱۳۷۷ الف) **زندگینامه سیاسی امام خمینی**، تهران، نشر عروج.
- ۹- رجبی، محمد حسن، (۱۳۷۷ ب)، **"امام خمینی و نهضت اسلامی ایران"**، حدیث انقلاب، تهران: دفتر مطالعات انقلاب اسلامی
- ۱۰- رضائی، روح الله، (۱۳۸۰) **چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**. ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی.
- ۱۱- ریشه، گی، (۱۳۷۹) **تغییرات اجتماعی**، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی.
- ۱۲- **شئون و اختیارات ولی فقیه**، ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع امام خمینی (ره)، چاپ چهارم : تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
- ۱۳- شلینگ ملیسا، (۱۳۷۸) **مدیریت استراتژیک نوآوری تکنولوژیک**، ترجمه اعرابی / تقی‌زاده، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۱۴- **صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)**، (۱۳۸۵) مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۵- فیرحی، داود، (۱۳۸۵) **نظام سیاسی و دولت در اسلام**، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۶- قوچانی، محمد، (۱۳۸۷)، مقاله «پدران به روایت پسر»، هفته‌نامه شهروند امروز، شنبه ۱۱ خرداد ۱۳۸۷.
- ۱۷- کدی، نیکی، (۱۳۶۹) **ریشه‌های انقلاب ایران**، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: انتشارات قلم
- ۱۸- مصاحبه با سید حسن خمینی، صفحه اخبار کوتاه روزنامه اطلاعات ۱۵ اسفند ۱۳۸۸
- ۱۹- همایون کاتوزیان، محمد علی، (۱۳۷۹) **اقتصاد سیاسی ایران**، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.